

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

سلام

سلام ای دوستان. از وطن دور
درین غربتسرا، رنجور و مهجور
زن و مرد و جوان و پیر باهم
ز هر شهر و دیاری گشته محشور
امید و آرزو دارم که هر یک
لباس عافیت پوشیده، مسرور
الهی از وطن، نابود گردد
نفاق و دشمنی و جنگ و مزدور
مفاصل آب و بریان، سینه اما
زمان خدمت است و کار موفور
که با صلح و صفا و عشق و وحدت
همه خندان، وطن پر نور و معمور
ولی ساکن به فلک هجر میهن
به ساز ناخدا رقصیده مجبور
مریض بستر بغض و عداوت
همه از یکدگر گردیده منفور
به دست هر یکی پُر ساغر و جام
ز خون دل، به جای آب انگور

چنان در آتش. هجران کبابم
که شاید از ازل گردیده مقذور
ولی با اینهمه ، از فیضِ فرهنگ
چنین گِرد هم آئی گشت میسور
به من دستور دادند تا بسازم
یکی شعری به مولانای مشهور
اطاعت کرده گشتم حاضر اکنون
بخوانم بر شما آن شعرِ مذکور
(وطنداران. مولانا) ست ، نامش
که بسرودم همین امروز ، با زور
ولاکن خواهش. «نعمت» چنین است
اگر سهو و خطائی ، بنده معذور